ج) حرمت ذکری صوم در عید فطر

(37:12)

خب احتیاط معارض است؛ آیا واقعاً کسی که در سی ام ماه مبارک قبل از زوال دید، الآن بین دو احتیاط مردد است؟ لازمه این میان این است؛ فرمودند: «لاحتمال کونه من شوال مع حرمة صوم یوم العید». حرمت صوم روز عید، چه حرمتی است؟ از آن حرمت های ثبوتی است که اشتراک الاحکام بین العالم و الجاهل است؟ یا نه، اصلاً رخت حرمتش تفاوت می‌کند؟ اینکه می‌گویی اشتراک الاحکام بین العالم و الجاهل، برای امر مطلق است، نه موارد خاصی که تناسب حکم و موضوع اقتضاء دارد که به آن معنا مشترک نباشد.

الآن در مانحن فیه را ببینید؛ یک کسی یک ماه روزه گرفت، اطاعت امر خدا کرده. روز سی ام استهلال می‌کند و ماه را نمی‌بینند. مسلمانان هم عید نمی‌کنند. لذا روز سی ام ماه مبارک را روزه می‌گیرد. ولی خب ندیده بودند، هوا ابر بود و نشد ببینند. بنابر ثبوت، لازمه اش چیست؟ می‌گویی که الآن ثبوتا این روز سی ام را که روزه گرفته کار حرام کرده ولی معذور است. تناسب حکم و موضوع می‌آید؟! یعنی شارع حکیم علی الاطلاق بگوید تو نیت روزه کرده‌ای ولی نزدن کار حرام کردی! این می‌آید؟! یعنی یک مؤمن یک ماه روزه گیر را در آخرین روز از ماه، در فرض کثرت ابتلاء به ابر بگوییم کار حرام کردی! چقدر از روزها ابر نیست؟! استصحاب می‌کند و روزه می‌گیرد. خب حال بگوید تو را کتک نمی‌زنم اما نزدن من کاری کردی که ثبوتا حرام بود. این را برای چه عرض می‌کنم؟ برای اینکه بگوییم حتماً حرمت صوم یوم عید، علمی است. التفاتی است. نه ثبوتی. شارع بفرماید: فی علم الله تعالی، روزی که روز اول تقویمی شوال است را حرام قرار دادم و تمام! اصلاً مصلحت در این نبوده. ملاک تحریم در این ثبوت نبوده که چون روز اول شوال است حرام باشد. چرا؟ مثل اینکه دواها هر کدام یک خاصیتی دارند، بعض غذاها به‌خاطر فسادی که دارند حرام است. یک فساد ثبوتی –بدون مردم- در اول شوال بوده و من حرام کردم! می‌فهمیم که اینطور نیست. خیلی روشن است. روز عید شوال، یک ماه روزه گرفته‌اند، الآن که روز اول شوال است، شارع می‌گوید امروز دیگر مقدسی را کنار بگذار. من اجازه نمی‌دهم که امروز کسی روزه باشد. همه بیایید نماز عید بخوانید و افطار کنید. یعنی به تناسب حکم و موضوع، رخت ملاک در حرمت صوم عید شوال، ثبوتی نیست، علمی است. بعد از اینکه عید ثابت شد، حرمتش می‌آید. نه اینکه چون درواقع روز اول شوال است، حرمت بیاید. بعد هم بگوییم اشتراک الاحکام بین العالم و الجاهل. شبیه‌ش را برای طهارت و نجاست احتمال می‌دادیم؛ یعنی وقتی علم می‌آید که در اینجا ملاقات شده، حال حکم وجوب اجتناب و حتی حکم وضعیش می‌آید. نه آن وقتی که جاهل است. وقتی جاهل است اصلاً نیست. یک قولی بود که واقعاً حکم وضعی نجاست در جهل نیست.

شاگرد: به چه دلیل وجوب در اینجا علمی است؟ منافات چیه؟

استاد: منافات، تعظیم شعار ختم صیام است. همانطوری که صیام از مهمترین شعائر دین است، شروعش «لا تؤدّوا بالتظنی» است؛ شروع ماه با عظمت است، ختمش هم با عظمت است. روز شوال فصلی است که حتماً باید فاصل بگذاری. یادتان هست که در برخی روایات بود که حتی سی ام شعبان را روزه نگیرید. به نظرم حضرت یوم الشک را نگرفته بودند. چرا؟ به این خاطر که باید

ی ک فاصلی بگذاریم تا واجب روشن بشود. ی ک فاصلی اول و ی ک فاصلی آخر بگذاریم برای تعظیم شعائر. مالک حرمتش معلوم است. تناسب حکم و موضوع خیلی مهم است. بگوییم خداوند متعال برای بنده خودش که ی ک ماه روزه گرفته، الآن اول ماه شوال را ثبوتا حرام کرده! ولو اینکه بنده اش سر و پا جهل است. ابر در آسمان است و ماه را نمی‌بینند. بگوییم شارع می‌فرماید من کاری به علم و جهل تو ندارم، هر حالی می‌خواهی باش؛ من روز اول شوال را بر تو حرام کردم. جاهل هم باشی حرام است. کار مبغوض ثبوتی من را انجام می‌دهی فقط چون نمی‌زنم. اصلاً تناسب ندارد. یعنی ی ک نحو مواخذه کردن مطیع است. عبد مطیعی که ی ک ماه روزه گرفته و الآن هم با ادامه اطاعت روزه می‌گیرد، ثبوتا کاری را بر او حرام کنیم؟! ولذا اینکه فرمودند «لاحتمال کونه من شوال مع حرمة صوم یوم العید»، قبول نیست که حرمت صوم یوم العید از باب اشتراک الاحکام بین العالم و الجاهل باشد. یکی از موارد تخصیص قاعده «ما من عام و قد خص» همین است؛ حرمت روزه اول شوال.

شاگرد: اینکه در روایت می‌فرمایند «لأَنَّهُ أَوَّلُ يَوْمٍ مِنَ السَّنَةِ يَحِلُّ فِيهِ الْأَكْلُ وَالشُّرْبُ»، با همین علم می‌سازد؟ یعنی از ایام سنه اولین روزی است که خداوند اکل و شرب را حلال کرده، با کدام مالک می‌سازد؟

استاد: «یحل فیه الاکل و الشرب» به این عنوان که ماه مبارک اول سال باشد. از روز اول سال که اول شهر مبارک بوده روزه گرفتیم. حال اولین روزی است که خداوند بر تو حلال می‌کند. «یحل فیه الاکل» با بحث ما فرق می‌کند. اولین روزی است که خداوند متعال شرب را بر تو حلال کرده، حال می‌گوییم این حلال را انجام ندار، چون نمی‌دانست. حرف سید هم با فرمایش شما سر نمی‌رسد. سید می‌خواهند بگویند احتیاط آن طرفش است. احتیاط که با «یحل فیه الاکل» درست نمی‌شود. با حرمت سر می‌رسد. نه فقط با «یحل فیه الاکل»، بلکه با «حرّم الله علیک الصوم». بین این دو بیان فاصله است. با بیان «حرّم علیک الصوم» تعارض می‌شود. حال من چه کار کنم؟ احتمال حرمت می‌دهم. لذا است که عرض می‌کنم اگر حرمت در اینجا از باب اشتراک الاحکام بین العالم و الجاهل نباشد، حرمت ثبوتی ندارد.

والحمد لله رب العالمین

بازبینی #1
ایجاد شده 5 فوریه 2026 15:43:20 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 فوریه 2026 15:43:46 توسط ... .